

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تهیه شده در:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه اصفهان  
با همکاری نمایندگی مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی در اصفهان



با کلیک بر روی هر سؤال به پاسخ آن منتقل خواهید شد.

۱. در تولد پیامبر صلی الله علیه و آله چه اتفاقی افتاده و چرا همه اش در ایران است؟
۲. چرا در روز تولد پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف است؟
۳. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله را پیش دایه فرستادند؟
۴. دین پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از پیامبری چه بود؟
۵. آیا ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه سلام الله علیها به خاطر سرمایه ایشان بود؟
۶. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج متعددی داشته‌اند؟ مگر قرآن بیش از چهار زن را ممنوع نکرده است؟
۷. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با دختر هشت ساله ازدواج کردند؟
۸. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با آن که می دانست برخی از همسران انحراف عقیدتی پیدا خواهند کرد باز با آنها ازدواج کردند؟
۹. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله برده‌داری را حذف نکردند و خودشان و پیشوایان معصوم علیه السلام کنیز و غلام داشتند؟

## ۱. در تولد پیامبر صلی الله علیه و آله چه اتفاقی افتاده و چرا همه‌اش در ایران است؟

بنا بر برخی از منابع هنگام تولد پیامبر صلی الله علیه و آله آتشکده فارس خاموش شد، دریاچه ساوه خشک شد اتفاقاتی افتاد از جمله: خاموش شدن آتشکده فارس، خشک شدن دریاچه ساوه، فروریختن چهارده کنکره از طاق کسری، جاری شدن آب در وادی سماوه که تا آن زمان آبی نداشت، سرنگونی بت‌ها و اخراج شیاطین از آسمان‌ها. (شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۸۵؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۹۲، ج ۱، ص ۱۹۱؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸؛ تاریخ طبری، بیروت، دار التراث، ط الثانیة، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۶۶)

با دقت در موارد فوق واضح است که همه آنها در ایران نبوده بلکه برخی فراتر از ایران و برخی حتی فراتر از کره زمین است از جمله افتادن بت‌ها و رانده شدن شیاطین و جنیان از آسمان اما شاید تعجب آفرین باشد که مثلا چه ربطی بین دریاچه ساوه و تولد پیامبر صلی الله علیه و آله است.

با تأمل در آموزه‌های دین زردشتی گره از این مشکل باز می‌شود. در ایران باستان عناصر اربعه (آب، خاک، باد و آتش) محترم و مقدس بودند. آناهیتا یا ناهید فرشته آب به شمار می‌رفت (یشت‌ها، ابراهیم پور، بمبئی، ۱۳۱۰، آبان یشت، بند ۹، فقره ۳۴) ایرانیان با احداث معابد آناهیتا در اطراف آبها و ارتفاعات همت می‌گماشتند. وجود قلعه دختر یا قیز دختر در اطراف گویای این مطلب است (قلعه دختر ساوه، مرتضی ذکائی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، زمستان ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۲۳-۵۴۰) این قداست در ساوه به افراط کشیده شده بود و ساوجیان کهن سالانه دو نفر را در آب دریاچه ساوه غرق می‌کردند (برهان قاطع، محمد حسین تبریزی، به اهتمام محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ص ۳۳۳-۳۳۴) که این نوعی قربانی محسوب می‌گردید و از این عمل بوی شرک استشمام می‌شد.

بنابراین آنچه در تولد حضرت اتفاق افتاد تلنگر به شرک و نمادهای شرک بود. کاخ کسری به عنوان محل سکونت پادشاهی بود که فرایزدی داشت، خشک شدن آتش کده فارس، افتادن بتها بر زمین، و دریاچه ساوه نیز از همین سنخ بود.

## ۲. چرا در روز تولد پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف است؟

تولد حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ماه ربیع الاول اتفاق افتاده است. در بین اهل سنت دوازدهم ربیع مشهور است از جمله ابن اسحاق می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه مصادف با دوازدهم ربیع الاول در سال عام الفیل متولد شدند. (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۵۸)

اما در بین شیعیان هفدهم این ماه بیشتر شهرت پیدا کرده است (شیخ مفید، مسارالشیعه، ص ۵۱) البته در بین علمای شیعه نیز کسانی هستند که دوازدهم را تولد حضرت می‌دانند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۹)

صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۹۶) با این حال علامه مجلسی میلاد در ۱۷ ربیع الاول را نظر بیشتر علمای شیعه دانسته است (علامه مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۷۰)

اما در پاسخ به چرایی این اختلاف باید گفت، این خاصیت تاریخ است. اختلاف نظر منحصر به ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیست بلکه در اکثر مناسبت های تاریخی شاهد دو یا چند تاریخ هستیم. بله حادثه غم انگیز عاشورا چون منحصر به فرد است اختلافی در روز وقوع آن نیست و هیچ کس روز نهم یا یازدهم محرم ثبت نکرده بلکه اما هر از این حادثه یاد کرده تاریخ آن را عاشورای سال نهم ذکر کرده است اما سایر مناسبت ها اینگونه نیست. زیرا در خلافت بنی امیه و بنی عباس اجازه گرفتن مراسم های اینچنینی داده نمی شد و تمام ظرفیت ائمه علیهم السلام در حفظ عاشورا بود تا یاد و خاطره آن در ذهن ها بماند. عاشورا که بماند بقیه را نیز خود به خود احیا کرد. بنابراین در سالروز ولادت و شهادت اکثر بزرگان دینی اختلاف نظر وجود دارد.

### ۳. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله را پیش دایه فرستادند؟

حضرت محمد صلی الله علیه و آله را دور از محیط مکه و نزد حلیمه سعدیه فرستادند. (مرحوم کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۸) اما در علت این کار اختلاف نظر وجود دارد.

در کتاب شریف کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده که چون رسول خدا بدینا آمد چندروز گذشت که آن حضرت شیر نداشت و ابو طالب در صدد بر آمدن حلیمه را پیدا کرده و آن نوزاد شریف را به وی سپرد. (مرحوم کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۸) بنابر این نظر به دلایلی و شاید از دست دادن شوهر جوان، شیرش خشک شده بوده است.

برخی نیز دلیل این عمل را وبای شهر مکه دانسته اند و حتی از حضرت آمنه نقل می کنند که به حلیمه خاتون فرمود: «پسرم ربابزگردان که من از وبای مکه بر او بیمناکم...» (ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۶۳.۴۰۱) بنابر برخی از گزارش ها نیز چنین کاری در بین اهالی مکه مرسوم بوده زیرا پرورش در بین قبایل و عشایر باعث قوت بدنی و فصاحت کودکان می شد. و این حدیث نیز می تواند مؤید این مطلب باشد که از رسول خدا نقل کرده اند که فرمود: «من از همه شما فصیح ترم زیرا هم قرشی هستم، و هم درقبیله بنی سعد شیر خورده ام.» (ابن هشام، سیره النبویه، ج ۱ ص ۱۷۶)

اما برخی علت فرستادن حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز حلیمه را جلوگیری از ترور ایشان توسط دشمنان عنوان کرده اند. در این نظریه یهودیان در معرض اتهام هستند زیرا آنها در کتابهای خود از تولد پیامبری در مکه آگاهی پیدا کرده بودند و حتی بنابر این نظریه حضرت عبدالله پدر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به دست آنها به شهادت رسید. (دشمن شدید، دفتر اول برگرفته از دروس تاریخ تطبیقی استاد مهدی طائب، چاپ دوم، زمستان ۹۵، صص ۲۲۰-۲۲۲)

این احتمال به تصریح در کتاب‌های اولیه ذکر نشده و گویندگان آن به مویدات و گزارشهایی مرتبط استناد می‌کنند اما موارد قبلی در منابع اولیه وجود دارد.

#### ۴. دین پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از پیامبری چه بود؟

در مورد دین پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت سه احتمال مطرح است، دین حنیف (دین حضرت ابراهیم علیه السلام)، مسیحیت و اسلام.

دین مسیحیت آخرین دینی است که خدا پیش از اسلام برای ساکنان زمین فرستاد و تا ظهور اسلام هنوز نسخ نشده بود. بر این اساس، اولین احتمال در مورد دین پیامبر صلی الله علیه و آله مسیحیت است. اما این احتمال با اما و اگرهایی روبروست. زیرا دین اصلی حضرت مسیح که نسبت به باقی دین‌ها در درجه بالاتری قرار داشته در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله موجود نبود زیرا به کلی توسط شخصی به نام پولس تحریف شد (دورانت، تاریخ تمدن، ج ۳، ص ۶۸۹ و ۶۹۷) و کسی نیز ادعا نکرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به دین مسیحیت عمل می‌کرد.

برخی حضرت را پیرو آئین حنیف می‌دانند و به آیاتی از قرآن استناد می‌کنند. از جمله *ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا* و *مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ*؛ (نحل: ۱۲۳) «سپس به تو وحی فرستادیم که از آئین ابراهیم که خالی از هرگونه انحراف بود و از مشرکان نبود، پیروی کن. اما پیروی از دین حنیف نیز با اشکالاتی مواجه است، چرا که آیات فوق پس از بعثت نازل شده و ناظر به دین حضرت در دوره پیش از بعثت نیست و ممکن است. (مظفری، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۱۲) از طرفی اگر نظریه منسوخ شدن ادیان با آمدن دین بعدی را بپذیریم، دین حضرت ابراهیم علیه السلام با آمدن دین حضرت موسی علیه السلام نسخ شده است. (مرحوم کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۷)

احتمال دیگر عمل به تکلیف بر اساس وحی است، در تایید این نظریه در روایاتی است از جمله: «علما بر این نکته اتفاق نظر دارند که: حضرت محمد صلی الله علیه و آله قبل از رسالتش و از زمانی که به تکلیف رسید بر خلاف آنچه که از قبیله قریش در اعمال و عبادات دیده می‌شد به طور مخفیانه نماز بر پا می‌داشت و روزه می‌گرفت و آنگاه بود که آن حضرت به چهل سالگی رسید و خداوند عزوجلّ به جبرئیل امر فرمود تا بر آن حضرت نازل گردد و او را به رسالت مبعوث کند.» (فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۵۲)، شیخ طوسی نیز می‌فرماید: «حضرت قبل از بعثت به عباداتی مورد وحی قرار می‌گرفتند که مخصوص خود آن حضرت بود و او نیز به وحی عمل می‌نمودند اما نه از باب تبعیت از شریعت قبل از خود.» (شیخ طوسی، عدّه الاصول، ج ۲، ص ۵۹۰). بنابراین همان‌گونه که طبق آیه قرآن به حضرت عیسی علیه السلام در کودکی کتاب داده شد (سوره مریم آیه ۱۲-۱۳)؛ حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز از همان اوایل زندگی با عالم وحی در ارتباط بود و در چهل سالگی مبعوث و مأمور شد تا دین خود را به همگان اعلام کند.

## ۵. آیا ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه سلام الله علیها به خاطر سرمایه ایشان بود؟

این ادعا از چند جهت دچار اشکال است.

اول: طبق اسناد معتبر تاریخی حضرت خدیجه سلام الله علیها خودشان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد ازدواج دادند! (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن سیدالناس، عیون الاثر، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۳؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳)

بنابر نقل طبری خدیجه سلام الله علیها، کسی را پیش پیامبر صلی الله علیه فرستاد و پیغام داد: ای عموزاده من به سبب خویشاوندی و شرف و امانت و نیکخویی و راستگویی به تو راغبم با شما ازدواج کنم. در آن هنگام خدیجه به شرف و مال و نسب والا از همه زنان قریش بهتر بود و کسان به ازدواج وی رغبت داشتند. (طبری، تاریخ، ج ۳ ص ۸۳۳)

دوم: پس از رحلت حضرت خدیجه، پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان دیگری ازدواج کردند اما مدام، از حضرت خدیجه به بزرگی و نیکی یاد می کردند، تا جائیکه اعتراض عایشه را در پی داشت و حتی اعتراف می کند که نسبت به حضرت خدیجه سلام الله علیها حسادت داشته است زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله از این بانوی بزرگوار بسیار به نیکی یاد می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل این حسادت‌ها فرمود: «همانا خداوند بهتر از او نصیب شما فرموده است رسول خدا فرمود: خداوند بهتر از او نصیب من فرموده است. احمد بن حنبل، مسند، ج ۴۱، ص ۳۵۶» حتی روزی اهانتی به حضرت خدیجه سلام الله علیها کرد پیامبر صلی الله علیه و آله طوری ناراحت شدند که به گفته عایشه تاکنون او را هرگز این چنین خشمگین ندیده بودم. (طبرانی، معجم الکبیر ج ۲۳، ص ۱۱)

اما بر فرض محال که علت این ازدواج سرمایه حضرت خدیجه سلام الله علیها باشد. آیا حضرت این سرمایه را صرف کار شخصی کرد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ساده زیست بوده و حتی در آن زمان زندگی عادی و حتی کمتر از عادی داشتند (ابن سعد، طبقات کبری، ج ۱، ص ۳۸۳) تمام این سرمایه برای تثبت پایه‌های دین اسلام خرج شد. پیامبر صلی الله علیه و آله که می توانست اینهمه ثروت را خرج خوشگذاری کند همه در شعب ابی طالب خرج محاصره شدگان کرده و ثروت و دارایی ام المومنین سلام الله علیها در کجا خرج میشد؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله برمیداشتند و صرف مصارف شخصی خود میکردند این بی بی ایتارگر تمام دارایی خود را از دست دادند و به سختی و ناداری گرفتار آمدند! (یعقوبی، تاریخ، ج ۱، ص ۳۸۹)

## ۶. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج متعددی داشته‌اند؟ مگر قرآن بیش از چهار زن را ممنوع نکرده است؟

چند همسری در اکثر نقاط جهان در گذشته رایج بود و حجاز عصر نبوی نیز از این امر مستثنی نبود. اما درباره سبب ازدواج‌های فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر رایج بودن مطالب مختلفی گفته شده است. از جمله: یک) پس از رحلت حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه سلام الله علیها در سال دهم، (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۶) فشارهای بر پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان افزایش یافت. (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۴۲؛ علامه مجلسی، بحارالنوار، ج ۱۸، ص ۲۰۹) این ازدواج‌ها می‌توانست رفتار اهالی قبیله‌ها را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله نرم‌تر کند. ازدواج با عایشه، حفصه و... را می‌توان از این نوع دانست زیرا باعث می‌شد افراد قبایل آنها نسبت به مسلمانان ملاحظه داشته باشند.

دو) نکته دیگر حمایت‌گری نسبت به زنان بی‌سرپرست بود. ام‌حبیبه دختر ابوسفیان در مکه به همراهی شوهرش مسلمان شدند، ابوسفیان آنان آنقدر اذیت کرد که به حبشه مهاجرت کردند. در حبشه شوهر این خانم از دنیا رفت. او نه‌توان ادامه زندگی در کشور غریب را داشت، نه پدرش اجازه بازگشت به مکه را به او میداد. در این وضعیت که از اینجا رانده و از آنجا مانده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را به مدینه فراخواند و با وی ازدواج کرد. (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۷۰؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۳۹) این روش الگویی شد برای دیگر مسلمانان زیرا در آن زمان سازمانهای پشتیبانی و دستگیری نبودند تا از زنان بیسرپرست حمایت کنند.

سه) کنار زدن سنت‌های غلط جاهلی؛ در دوره جاهلیت مردم تصور می‌کردند، پسرخوانده حکم پسر را دارد و احکام پسر را بر او جاری می‌کردند. او مانند دیگر فرزندان ارث می‌برد و به دختران آن خانه محرم بود و حق ازدواج با آنها را نداشت. هنگامی که زید بن حارثه (پسرخوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله)، همسر خود زینب بنت جحش را طلاق داد، پیامبر صلی الله علیه و آله از زینب خواستگاری و با او ازدواج کرد. و با این کار این رسم جاهلی را منسوخ اعلام نمود. (احزاب: ۳۷)

علاوه بر مطالب فوق به جز یک همسر، تمام همسران حضرت محمد صلی الله علیه و آله بیوه بودند. آیا اگر کسی تنها هدفش مسائل زناشویی بود، با آن موقعیت و جایگاه می‌توانست همه همسرانش را از دوشیزگان انتخاب کند.



## ۷. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با دختر هشت ساله ازدواج کردند؟

برخی سن عایشه هنگام ازدواج را نه سال، هشت سال و حتی شش نقل کرده‌اند اما به نظر می‌رسید برخی سعی بر کم نشان دادن سن او بودند تا بگویند وی نیز مانند حضرت زهر سلام الله علیها تحت تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ شده است تا او را از نظر جایگاه و مقام هم شأن حضرت زهرا سلام الله علیها قرار دهند. اگر چه سن خود عایشه هنگام ازدواج را دستکاری کرده‌اند، اما گویا یادشان رفته تا گزارشهای مرتبط با او را نیز تغییر دهند.

یکی از این گزارش‌ها محاسبه با سن خواهرش اسماء دختر ابوبکر است. در معرفی وی نوشته‌اند که از خواهرش عایشه ده سال بزرگتر بود و هنگام هجرت بیست و هفت سال داشت. (الأصبهانی، معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۳۲۵۳؛ ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۷، ص ۱۱) بنابراین عایشه هنگام هجرت هفده ساله بود. برخی تاریخ ازدواج عایشه را سال دوم هجری دانسته‌اند. (الأنصاری الشافعی، غایة السؤل فی خصائص الرسول، ج ۱، ص ۲۳۶) برخی نیز نوشته‌اند تا سال چهارم هجری فقط سوده همسر ایشان بود. (الذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۲، ص ۲۸۸) و عایشه پس از آن یعنی پس از سال چهارم هجری با حضرت ازدواج کرد. بنابراین دست کم سال دوم هجری و حداکثر سال چهارم هجری، این ازدواج صورت گرفته است. و عایشه هنگام ازدواج نوزده یا بیست و یک سال داشته است. راه‌های دیگری نیز وجود دارد که سن وی را تقریباً در حدود بیست سال نشان می‌دهد بنابراین آنچه مشهور شده که هنگام ازدواج زیر ده سال داشته است به هیچ وجه پذیرفتنی نیست.

## ۸. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله با آنکه می‌دانست برخی از همسران انحراف عقیدتی پیدا

### خواهند کرد باز با آنها ازدواج کردند؟

توضیحی درباره علم غیب معصومان، بخش زیادی از این مسئله را حل میکند. علم همانند اسلحه است که مأمور نیروی انتظامی از مافوق خود میگیرد اما نمیتواند همه جا (از آن) استفاده کند بلکه مافوق او مشخص میکند از آن اسلحه در کجا استفاده کند و در کجا استفاده نکند. امام نیز برای پیشبرد وظایف امامت نیاز به ابزاری از جمله علم غیب و عصمت دارد و خدا که مافوق امام است، چنین ابزاری در اختیار امام قرار داده است. بنابراین امام نمیتواند در هر وقت اراده کرد از این ابزار استفاده کند بلکه این خداست که مورد استفاده آن را مشخص میکند.

کسی که ظرفیت گرفتن علم غیب از جانب خدا به او عطا شده است، با اذن خدا میتواند از آن استفاده کند و این خداوند است که دایره استفاده از این امر را مشخص میکند. مرحوم کلینی در کافی بابی تحت عنوان: «أَنَّ الْأَئِمَّةَ عِ إِذَا شَاءُوا أَنْ يَعْلَمُوا عُلُومًا» (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵۸) قرار داده است. امام صادق علیه السلام در این



باره میفرماید: «امام هر گاه بخواهد بداند، میداند». در حدیثی دیگر میفرماید: «امام هر گاه بخواهد بداند، به او اعلام میشود». به همین معنا در روایت دیگر میفرماید: «هر گاه امام بخواهد چیزی را بداند، خدا آن را به او اعلام میدارد». اینگونه نیست که معصومان علیهم السلام تمام مسائل و مشکلات زندگی روزمره خود را بر مبنای علم غیب پیش ببرند. معصومان علیهم السلام بر اساس علم عادی عمل میکردند، نه با دانسته‌های غیبی خود. چنانکه از قضاوت‌های این بزرگواران معلوم می‌شود.

اگر علم غیب را در نظر نگیریم، دیگر جای سوال نمی‌ماند زیرا ابوبکر یکی از صحابه است و عایشه نیز دخترش، هنوز حوادث بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتاده تا بر مبنای آن تصمیم گرفته شود. انسان‌ها در معرض امتحان هستند. بنابر گزارشی صفورا دختر حضرت شعیب علیه السلام بعد از حضرت موسی علیه السلام با جانشین واقعی او حضرت یوشع علیه السلام به جنگ می‌پردازد. (راوندی، قصص الانبیاء، ص ۱۷۶) یا ازدواج حضرات نوح و لوط علیهما السلام با همسرانی که مورد تخطئه قرآن قرار گرفتند و قرآن آن همسران را جزو خیانتکاران شمرد. خدا در این باره میفرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ» (سوره تحریم، آیه ۱۰) «خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثل آورده که هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست آنها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان، به آتش داخل شوید».

۹. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله برده‌داری را حذف نکردند و پیشوایان معصوم علیهم

السلام کنیز و غلام داشتند؟

برده‌داری از جمله معضلاتی بود که بافت اساسی و تار و پود جامعه آن زمان را تشکیل می‌داد و در اکثر جوامع از جمله روم باستان، ایران باستان و جاهلیت عرب رایج بود. اسلام نمی‌توانست به صورت بخشنامه‌ای این معضل را در اجتماع از بین ببرد. زیرا خود برده‌ها آسیب می‌دیدند شاهی برای این قضیه، قانون آزادی بخشنامه‌ای برده‌ها در آمریکا است که به سبب نسنجیدگی باعث شد، تعداد زیادی از بردگان به کلی نیست و نابود شوند (لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۴۸۲). به همین دلیل با قانونگذاری درباره برده‌داری و برنامه‌های تدریجی به سوی حذف این پدیده گام برداشت.

پیش از اسلام یک راه برای آزادی برده‌ها و آن نیز دلسوزی ارباب و آزادی برده بود اما انسان‌های آزاد به بهانه‌های واهی در جرگه برده‌ها در می‌آمدند. در اسلام درست برعکس، راه‌های متعددی برای آزادی برده‌ها در نظر گرفته شد و از آن سوی تنها یک راه برای برده شدن افراد باقی گذاشت. آن هم مخصوص مشرکانی بود

که در جنگ با مسلمانان اسیر شوند. این راه نیز علاوه بر بازدارندگی از حمله دشمن، سودهای فراوانی داشت که در این مجال اندک، امکان پرداختن به آن را نداریم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم، کسی که کارش خرید و فروش برده است. (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۱۴)

بنابراین اسلام با قانونهای خود به صورت تدریجی و گام به گام به مقابله با دنیای بردهداری پرداخت و عمار، سلمان، زید بن حارثه، بلال و... از جمله بردههایی بودند که در اسلام جایگاه والایی یافتند. برخی از آنها فرماندهان نظامی شدند و برخی نیز به استانداری شهرهای بزرگ اسلامی رسیدند.

حذف کامل زمان بر بود، ناگزیر از وجود بردههایی در جامعه هستیم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام نیز کنیز و غلام داشتند تا:

یک. تربیت و آزادی بندگان

حضرت با خریدن بردهها و آموزش و تربیت براساس اسلام حقیقی، آنها را آزاد می ساخت و به جاهای مختلف برای تبلیغ می فرستاد (ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۸۷۴) طبق برخی گزارشها امیرالمومنین علی علیه السلام در این راه هزار بنده خریده و آزاد کردند (مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۴۲، ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۹۲)

دو. آموزش شیوه رفتار با بردهها

شیوه رفتار صحیح اسلامی با بردهها را از آنها میآموختند.

در سیره معصومان و پیشوایان دینی نمونههای فراوانی از رفتار همراه با رأفت و مهربانی با بردگان یافت میشود. بسیاری از یاران پیامبر مانند سلمان و بلال، برده و مورد احترام پیامبر صلی الله علیه و آله جزو سران لشکر و فرماندهان بودند. (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۶۶)

سه. الگوسازی برای آزادی بردهها

معصومین علیهم السلام با کوچکترین بهانههای به آزادی بردگان اقدام میکردند. خادم امام سجاد علیه السلام، ناخواسته در حین کار امام را مجروح کرد، او که ترسیده بود آیههایی از قرآن را در مورد رحم و دلسوزی تلاوت کرد، امام او را آزاد ساخت (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۴۶، فصل فی فضائل الإمام السجاد). گاهی بردهها در مسیر و راه گذر امام سجاد علیه السلام می نشستند تا آنها را خریداری کند، چون می دانستند پس از خریداری، آزاد خواهند شد. (جعفریان، حیات فکری سیاسی

امامان شیعه علیهم السلام، ص ۲۸۱)